



«شاهچراغ^(۴)»؛ مدافع ولایت رضوی

گفت‌وگوی خراسان با دکتر جلیل عرفان‌منش، برنده جایزه کتاب سال رضوی و پژوهشگر تاریخ تشیع درباره مناقب احمد بن موسی (ع)

و ناگفته‌هایی از جایگاه آن حضرت در متون تاریخی و روایی جهان اسلام

جوادنوائین رودسری – حادثهٔ تروریستی حمله به حرم مطهر حضرت احمد بن موسی (ع) در شیراز، قلب‌های مؤمنان و علاقه‌مندان به خاندان رسالت را حریجه‌دار کرد و اهل قبله را به سوگ نشاند. تروریست‌های وابسته به داعش، جنایتکاران دُغم‌اندیشی که راه تحجر را پیموده و دست خود را به خون فرزندان امت محمد (ص) آلوده‌اند، این بار به حریم حرم سیدی جلیل‌القدر و امامزاده‌ای عالی‌نسب هجوم آوردند و در آن مکان مقدس، خون زائران پاکدل را بر زمین ریختند؛ جنایت بزرگ آن هادر حرمی به‌وقوع پیوست که در آن، مرقد مطهر برادر گرامی ثامن‌الحجج (ع) و امین و مدافع ولایت‌علوی قرار دارد؛ هم‌او که در میان مردمان اهل تقوا، به «شاهچراغ» مشهور است. با وجود قرار داشتن حرم شاهچراغ در سرزمین ایران، شاید اطلاعات بسیاری از ما درباره او زندگی و مجاهدت‌هایش، اندک و حتی در حد هیچ باشد. به همین منظور، کوشیدم تا محققی را بیابم که به‌سبب تحقیق و تتبع ویژه، درباره تاریخ‌زندگانی احمد بن موسی (ع)، صاحب‌نظر باشد و بتواند با اطلاعات خود، آگاهی شما خوانندگان ارجمند را درباره «شاهچراغ» به حد مطلوبی برساند. به‌نظر می‌رسد که در میان جمع پژوهشگرانی که در این

گفت و گوی ما درباره حضرت احمد بن موسی (ع)، مشهور به «شاهچراغ» و حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اوست. لطفاً پیش از ورود به بحث، مختصری درباره فضایل و شخصیت این امامزاده جلیل‌القدر برای خوانندگان روزنامه خراسان صحبت کنید.

درباره فضایل حضرت احمد بن موسی (ع) سخن بسیار است. آن حضرت از فرزندان برومند امام کاظم (ع) بود و البته ایشان به وی توجه زیادی می کردند. در منابع تاریخی وی را با صفاتی مانند کریم، شجاع، جلیل‌القدر، فاضل، صالح، باتقوا و پرهیزگار معرفی کرده‌اند که نشان از جایگاه ویژه او در میان پیروان مکتب اهل‌بیت (ع) دارد. طبق گزارش شیخ مفید در «ارشاد»، احمد بن موسی (ع) مورد علاقه و محبت پدر بزرگوارش بود و امام (ع) مزرعه خود را که به «یسریه» شهرت داشت، به‌وی بخشید. احمد بن موسی (ع) بخش مهمی از ثروت خود را صرف آزاد کردن بردگان می کرد و نقل است که در عمرش، موفق به آزاد کردن هزار برده شد که این از فضایل بزرگ و برجسته اوست. طبق گزارش «کشی»، احمد بن موسی (ع) خط خوبی داشت و به نگارش قرآن کریم می‌پرداخت و قرآن‌هایی را با قلم خود به رشته تحریر درآورد. محدث نیشابوری در کتاب «لب الانساب»، تعداد قرآن‌های نگارش یافته توسط احمد بن موسی (ع) را هزار جلد می‌داند؛ هر چند ممکن است این رقم اغراق‌آمیز به نظر برسد، اما خبر از

احمد بن موسی (ع) با وجود

رغبت‌هایی که نسبت به‌او بود، در

امامت، از برادر بزرگوارش امام‌رضا (ع)

تبعیت کرد و به دفاع از حقانیت امامت

شیعه پر داخت. احمد بن موسی (ع)

به دلیل شرکت در قیام‌هایی که

علیه حکومت عباسی سازمان‌دهی

می‌شد، مانند قیام «ابوالسرایا»،

محبوبیت فراوانی داشت و بسیار به

ایشان توجه می‌شد، اما از این جایگاه

هرگز سوءاستفاده نکرد

عرصه گام‌های بلند بر داشته‌اند، دکتر جلیل عرفان‌منش بیش از دیگران

صاحب صلاحیت باشد؛ او نویسنده کتاب مشهور «جغرافیای تاریخی هجرت امام‌رضا (ع) از مدینه تا مرو» است؛ اثری که برای وی جایزه کتاب سال رضوی را به ارمغان آورد. دکتر عرفان‌منش، سوابق علمی و اجرایی پرشماری دارد؛ از آن جمله تأسیس و ریاست دانشگاه سوره (شعبه شیراز) و تدریس در این دانشگاه، مدیریت گروه تاریخ و مناسبت‌های شبکه‌دوسیمو عضویت در کمیته فرهنگ و تمدن اسلامی شورای عالی انقلاب فرهنگی. با این حال، آن‌چه دکتر عرفان‌منش را برای صحبت درباره احمد بن موسی (ع) صاحب صلاحیت می‌کند، سوابقی نیست که برشمردیم؛ او تا کنون ۹ کتاب با موضوع زندگانی، نسب، فرزندان و حرم احمد بن موسی (ع) به رشته تحریر درآورده است که برخی از آن‌ها هنوز به‌زور طبع آراسته نشده‌اند؛ آثاری مانند «نسب و مناقب احمد بن موسی کاظم (ع)»، «ام احمد مادر احمد بن موسی کاظم (ع)»، «احمد بن موسی کاظم (ع) به روایت تواریخ محلی و سفرنامه‌نویسان»، «بازماندگان و اعقاب احمد بن موسی (ع)» و ... آن‌چه در ادامه می‌خوانید، مشروح گفت‌وگوی ما با این پژوهشگر پر تلاش است.

تعداد و فراوانی مصحف‌هایی می‌دهد که به قلم مبارک او نگارش یافت.

در متون روایی و تاریخی شیعه، به تبعیت احمد بن موسی (ع) از برادر بزرگوارش، امام‌رضا (ع) اشاره شده است و درباره نقش او در تشویق مردم برای بیعت با ثامن‌الحجج (ع)، مطالبی وجود دارد. شرایط و اوضاع فکری و اعتقادی شیعیان بعد از شهادت امام کاظم (ع) چگونه بود و احمد بن موسی (ع) با چه راهکاری به دفاع از ساحت امامت و ولایت پرداخت؟

بعد از شهادت مظلومانه امام کاظم (ع)، عده‌ای از روی جهل یا پیروی از هوای نفس، در امامت آن حضرت متوقف شدند و ایشان را آخرین امام دانستند. گروهی مانند «موسویه» بر آن بودند که از شهادت امام کاظم (ع) بی‌خبرند و چون از این واقعه خبری به دست آن‌ها نرسیده است و خروج امام (ع) از زندان هارون را ندیده‌اند، چشم به راه بازگشت آن حضرت خواهند ماند یا گروه دیگری به نام «واقفیه» ادعا کردند که امام کاظمی (ع) همان مهدی موعود است؛ ایشان شهید نشده و در پس پرده غیبت قرار دارد و روزی ظهور خواهد کرد. گروه‌های دیگری هم بودند که شاید در این جا صحبت درباره آن‌ها لازم نباشد و بحث را به دراز بکشاند. با این حال، احمد بن موسی (ع) با وجود رغبت‌هایی که نسبت به او بود، در امامت، از برادر بزرگوارش امام‌رضا (ع) تبعیت کرد و به دفاع از حقانیت امامت شیعه پرداخت. احمد بن موسی (ع) به دلیل شرکت در قیام‌هایی که علیه حکومت عباسی سازمان‌دهی می‌شد، مانند قیام «ابوالسرایا»، محبوبیت فراوانی داشت و بسیار به ایشان توجه می‌شد، اما از این جایگاه هرگز سوءاستفاده نکرد. بعد از شهادت امام کاظم (ع)، مردم مدینه برادر خانه «ام‌احمد» مادر احمد بن موسی (ع) جمع شدند و همراه او به مسجد آمدند؛ باور خیلی از آن‌ها این بود که وی، امام بعد از موسی بن جعفر (ع) است و آماده بیعت با وی بودند، اما احمد بن موسی (ع) که به راستی امامتدار ولایت بود، بر فراز منبر قرار گرفت و ضمن بیان سخنانی شورانگیز، امامت را از آن برادر بزرگوارش، علی بن موسی الرضا (ع) دانست و گفت: «ای مردم... بدانید که من خود در بیعت برادرم علی بن موسی (ع) هستم. او پس از پدرم، امام و خلیفه بحق و ولی خداست. از طرف خدا و رسولش بر من و شما واجب است که از او اطاعت کنیم.» وی سپس سخنان بلیغی

با جایگاه و لایتمهدی آن حضرت نداشته

است؟

گزارش‌های تاریخی درباره زمان قیام احمد بن موسی (ع) مختلف و متفاوت است. برخی قیام را مربوط به زمان ثامن‌الئمن‌الحجج (ع) می‌دانند و برخی دیگر، آن را به بعد از شهادت آن حضرت موکول می‌کنند. بر اساس قول اول، این قیام بین سال‌های ۲۰۱ تا ۲۰۳ ق اتفاق افتاد و بر اساس قول دوم، بین سال‌های ۲۰۳ تا ۲۱۸ ق، یعنی زمان مرگ مأمون، آن‌چه به ما کمک می‌کند تا به روایتی نسبتاً قابل‌اتکا در این زمینه دست‌یابیم، جست‌وجو در انگیزه قیام است؛ در درجه اول باید آگاهی احمد بن موسی (ع) و برادرانش را از توطئه مأمون برای به شهادت رساندن امام‌رضا (ع)، به عنوان یک انگیزه در نظر بگیریم؛ هر چند که برخی منابع متأخر، حرکت احمد بن موسی (ع) را صرفاً با قصد دیدار برادر دانسته‌اند که البته دیدگاهی کاملاً اشتباه است، اما برای این قیام، می‌شود انگیزه عدالت‌خواهی و خون‌خواهی شهادت امام رضا (ع) را هم در نظر گرفت. شیخ مفید در این باره می‌نویسد: «احمد بن موسی (ع) چون خبر شهادت امام‌رضا (ع) را شنید، بسیار اندوهگین شد و بسیار گریه کرد و برای خون‌خواهی و... خارج شد و همراه او سه هزار نفر بوده‌اند و قصد جنگ با مأمون داشت... سید محسن امین، در «آبیان‌الشیعه» تصریح می‌کند: «احمد بن موسی (ع) به فرماندهی یک سپاه سه‌هزار نفری از علویان و فرزندان ائمه طاهرین و شیعیان آن‌ها، برای نبرد با مأمون و انتقام خون امام‌رضا (ع) روانه ایران شد. به غیر از این دو گزارش، گزارش دیگری هم داریم که هر دو انگیزه ذکر شده را در بر می‌گیرد؛ در برخی متون تاریخی این گزارش وجود دارد که احمد بن موسی (ع) بعد از رسیدن خبر توطئه‌های مأمون و محدودیت ایجاد شده برای امام‌رضا (ع)، به همراه جمع کثیری از علویان و فرزندان ائمه طاهرین علیهم‌السلام، به سمت ایران حرکت کرد و چون به دوفرسنگی شیراز رسید، از شهادت امام‌رضا (ع) اطلاع یافت. از طرفی مأمون نیز، به فرماندانش دستور داده بود با هر روش ممکن، مانع از حرکت احمد بن موسی (ع) شوند. به این ترتیب، جدالی سخت میان او و همراهانش، با قتلغ‌خان حاکم وقت فارس آغاز شد و بعد از درگیری‌های متعدد، سرانجام احمد بن موسی (ع) و جمعی از برادران و یارانش، به شهادت رسیدند.

احمد بن موسی (ع) در زمان هجرت اجباری امام‌رضا (ع) از مدینه به مرو، کجا بود؟ چرا بعد از مدتی تصمیم گرفت که اوهم راهی ایران شود و نزد برادر بزرگوارش برود؟
اصولاً یکی از دلایلی که مأمون را به فکر انداخت که طرح انتقال اجباری امام‌رضا (ع) را عملی کند، گسترش روزافزون قیام‌های علویان بود که بعضی از برادران امام‌رضا (ع)، مانند احمد بن موسی (ع) نیز در آن مشارکت داشتند. این قیام‌ها برای حکومت‌نویای مأمون حکم‌زهر قاتل را داشت و او خطر اصلی انقراض عباسیان را از جانب قیام علویان می‌دید. آوردن اجباری امام رضا (ع) از مدینه به مرو، می‌توانست تا حد زیادی مانع تداوم این قیام‌ها شود. ما درباره واکنش احمد بن موسی (ع) به این اقدام، گزارش چندانی نداریم، اما برخی روایات تاریخی به ما می‌گویند که هنگام عزیمت اجباری امام‌رضا (ع) از مدینه به مرو، احمد بن موسی (ع) در مدینه حضور داشته است. قطعاً او نیز، درباره شرایط انتقال امام‌رضا (ع) به مرو و اتفاقات نامعلوم آینده، نگرانی‌های زیادی داشت. اخبار مربوط به وضعیت ثامن‌الحجج (ع) در مسیر هجرت و سپس، وقایعی که در مرو رقم می‌خورد، به مدینه می‌رسید و برادران امام‌رضا (ع) از حال ایشان بی‌خبر نبودند. وقتی مأمون، به رغم همه نقشه‌ها و توطئه‌هایش، نتوانست به مقصود خود برسد، محدودیت‌های فراوانی برای امام‌رضا (ع) ایجاد کرد که این اخبار هم به مدینه می‌رسید و بی‌تردید، در خوردن جرقه‌های آغازین تصمیم احمد بن موسی (ع) برای حرکت به سوی ایران، نقش عمده‌ای داشت.

ما در تاریخ گزارش‌هایی درباره قیام احمد بن موسی (ع) داریم که در نهایت به شهادت ایشان در فارس انجامید. آیا این قیام در زمان حیات امام‌رضا (ع) آغاز شد؟ اگر چنین است، آیا این حرکت منافاتی
با جایگاه و لایتمهدی آن حضرت نداشته است؟
گزارش‌های تاریخی درباره زمان قیام احمد بن موسی (ع) مختلف و متفاوت است. برخی قیام را مربوط به زمان ثامن‌الئمن‌الحجج (ع) می‌دانند و برخی دیگر، آن را به بعد از شهادت آن حضرت موکول می‌کنند. بر اساس قول اول، این قیام بین سال‌های ۲۰۱ تا ۲۰۳ ق اتفاق افتاد و بر اساس قول دوم، بین سال‌های ۲۰۳ تا ۲۱۸ ق، یعنی زمان مرگ مأمون، آن‌چه به ما کمک می‌کند تا به روایتی نسبتاً قابل‌اتکا در این زمینه دست‌یابیم، جست‌وجو در انگیزه قیام است؛ در درجه اول باید آگاهی احمد بن موسی (ع) و برادرانش را از توطئه مأمون برای به شهادت رساندن امام‌رضا (ع)، به عنوان یک انگیزه در نظر بگیریم؛ هر چند که برخی منابع متأخر، حرکت احمد بن موسی (ع) را صرفاً با قصد دیدار برادر دانسته‌اند که البته دیدگاهی کاملاً اشتباه است، اما برای این قیام، می‌شود انگیزه عدالت‌خواهی و خون‌خواهی شهادت امام رضا (ع) را هم در نظر گرفت. شیخ مفید در این باره می‌نویسد: «احمد بن موسی (ع) چون خبر شهادت امام‌رضا (ع) را شنید، بسیار اندوهگین شد و بسیار گریه کرد و برای خون‌خواهی و... خارج شد و همراه او سه هزار نفر بوده‌اند و قصد جنگ با مأمون داشت... سید محسن امین، در «آبیان‌الشیعه» تصریح می‌کند: «احمد بن موسی (ع) به فرماندهی یک سپاه سه‌هزار نفری از علویان و فرزندان ائمه طاهرین و شیعیان آن‌ها، برای نبرد با مأمون و انتقام خون امام‌رضا (ع) روانه ایران شد. به غیر از این دو گزارش، گزارش دیگری هم داریم که هر دو انگیزه ذکر شده را در بر می‌گیرد؛ در برخی متون تاریخی این گزارش وجود دارد که احمد بن موسی (ع) بعد از رسیدن خبر توطئه‌های مأمون و محدودیت ایجاد شده برای امام‌رضا (ع)، به همراه جمع کثیری از علویان و فرزندان ائمه طاهرین علیهم‌السلام، به سمت ایران حرکت کرد و چون به دوفرسنگی شیراز رسید، از شهادت امام‌رضا (ع) اطلاع یافت. از طرفی مأمون نیز، به فرماندانش دستور داده بود با هر روش ممکن، مانع از حرکت احمد بن موسی (ع) شوند. به این ترتیب، جدالی سخت میان او و همراهانش، با قتلغ‌خان حاکم وقت فارس آغاز شد و بعد از درگیری‌های متعدد، سرانجام احمد بن موسی (ع) و جمعی از برادران و یارانش، به شهادت رسیدند.

یکی از مسائلی که برخی به آن باور دارند این است که عموم امامزادگان معتبر و شناخته شده، از نظر جایگاه معنوی و اتصال به خاندان رسالت، تنها از سوی شیعیان تکریم و احترام می‌شوند و اهل سنت توجهی به جایگاه آن‌ها ندارند و نامی از آن‌ها در منابع خود نمی‌آورند. آیا این دیدگاه صحیح است؟ آیا می‌توان درباره احمد بن موسی (ع) و مناقب و جایگاه وی، در متون اهل سنت گزارش‌هایی به دست آورد؟

این دیدگاه، دیدگاه صحیحی نیست و احتمالاً، ریشه در نشناختن منابع و متون روایی و تاریخی دارد. باید بگوییم که نام احمد بن موسی (ع) در بسیاری از آثار اهل سنت به چشم می‌خورد؛

به خصوص گروهی از آن‌ها که به اهل‌بیت (ع) ارادت ویژه دارند و تعدادشان بسیار قابل توجه است. در آثار این افراد، نام امامزادگان، از جمله احمد بن موسی (ع)، ذیل معرفی ائمه معصومین (ع) ذکر و در برخی از آن‌ها هم، اشاره‌هایی به مناقب آن بزرگوار شده است. من در این‌جا می‌توانم دست‌کم از ۱۲ عالم، مورخ، نویسنده و محدث اهل سنت که برخی از آن‌ها در زمره مشهورترین علمای مذاهب اسلامی هستند، نام ببرم که در آثارشان به نام، نسب و در برخی موارد، مناقب احمد بن موسی (ع) اشاره شده است؛ بزرگانی مانند امام فخر رازی شافعی (در گذشته ۱۰۶ ق)، در کتاب «الشجرة المبارکة فی أنساب الطالبيه»، محمد بن طلحه شافعی (در گذشته ۶۵۲ ق)، در کتاب «زبدة‌المقال فی فضائل‌الآل»، مسبط بن جوزی حنفی (در گذشته ۶۵۴ ق)، در کتاب «تذکره الخواص من الأمه فی ذکر خصائص الأئمه»، ابوسلیمان داود بن ابی‌فضل بناکتی (در گذشته ۷۳۰ ق)، در کتاب «روضه‌اولی‌الالباب فی معرفة‌التواریخ و الانساب»، شمس‌الدین ذهبی شافعی (در گذشته ۷۴۸ ق)، در کتاب «تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر و الاعلام»، حمدا... مستوفی (احتمالاً شافعی و در گذشته ۷۵۰ ق)، در کتاب «تاریخ گزیده»، ابن صباغ مالکی (در گذشته ۸۵۵ ق)، در کتاب «الفصول المهمه»، یارانش، به شهادت رسیدند.

اندیشه

گزارش

مأموران خلیفه عباسی چگونه

احمد بن موسی (ع) را شهید کردند؟

روضه شهادت شاهچراغ

رودسری – خبر ورود احمد بن موسی (ع) به سرزمین ایران، برای مأمون عباسی نگران‌کننده بود. مورخان از جمعیتی سه‌هزار نفری نوشته‌اند که بعد از خروج او و دو برادرش، حسین و محمد، فرزندان موسی بن جعفر (ع) از بصره، همراه با آن‌ها و برای دفاع از حریم امامت، به راه افتاده بودند. مأمون به شدت احساس خطر کرد. به سرعت به فرماندارانی که در مسیر حرکت کاروان احمد بن موسی (ع) بودند، خبر داد که به هر قیمتی، مانع از حرکت وی شوند، اما خبر به هر جا که می‌رسید، کاروان از آن منطقه عبور کرده بود؛ تا این که حاکم شیراز، قتلغ‌خان، پیش از ورود کاروان احمد بن موسی (ع) به حوزه حکومتش، دستور خلیفه را دریافت کرد. حاکم بلافاصله با نیروهای آموزش دیده تحت امر خود که شمار آن‌ها بیش از دو برابر همراهان شاهچراغ بود، از شیراز خارج‌شد و در دو فرسنگی این شهر، به کاروان اورسید.

■ شنیدن خبر شهادت ثامن‌الحجج (ع)

احمد بن موسی (ع) پس از روبه‌رو شدن با نیروهای خلیفه عباسی، از آن‌ها سبب این رفتار را پرسید. پاسخ آن بود که بی‌اجازه به این سفر آمده‌اند و به دستور خلیفه، باید هر چه زودتر به مدینه بازگردند؛ اما درباره سبب این دستور، توضیحی به شاهچراغ و همراهانش داده نشد. احمد بن موسی (ع) به قتلغ‌خان گفت: این سفر بدون اطلاع خلیفه آغاز نشده است. ما قبل از آن که از مدینه و بصره بیرون بیاییم، حاکمان این دو شهر را از قصد خود برای دیدار با برادر و امام‌مان، علی بن موسی الرضا (ع) آگاه کردیم؛ بنابراین، خلیفه از قصد ما آگاه است. حال چگونه است که از دیدار با برادر منع می‌شویم و از ما می‌خواهید که به مدینه بازگردیم؟ بحث میان او و قتلغ‌خان به درازا کشید، تا این که حاکم شیراز بالاخره به حرف‌آمد و گفت: اگر به دیدار برادران می‌روید، بدانید که او فوت کرده است. با شنیدن این خبر، شک احمد بن موسی (ع) و برادرانش به یقین تبدیل شد؛ آن‌ها اخبار محدودیت‌هایی را که مأمون برای ثامن‌الحجج (ع) برقرار کرده بود، شنیده بودند و می‌دانستند که قصد خلیفه عباسی از چنین تخرکاتی، به شهادت رساندن امام‌رضا (ع) است. شاهچراغ و برادرانش تصمیم گرفتند در برابر نیروهای خلیفه بایستند و قیامی را به خون خواهی برادر بزرگوارشان آغاز کنند. احمد بن موسی (ع) همراهان و یاران را جمع کرد و خطاب به آن‌ها گفت: بدانید که قصد این هاربختن خون فرزندان علی بن ابی‌طالب (ع) است. هر کس از شما جمع‌خواهی بر گردد، مدعی نیست، اما من جز جهاد با این اشرار و وظیفه‌ای بر گردن خود نمی‌بینم. برادران و یاران به‌وی وعده‌یاری دادند و احمد بن موسی (ع) فرمان صفارایی داد.

■ از آغاز نبرد تا شهادت

گفتیم که سپاه حاکم شیراز، بیش از دو برابر کاروان احمد بن موسی (ع) نیرو داشت و طبیعی بود که بتواند حملات سخت‌تری را سازمان‌دهی کند. با این حال، بعد از چند نوبت نبرد، سپاه خلیفه شکست خورد و قتلغ‌خان نیروهای خود را به سمت شیراز عقب کشید و در شهر به تدارک مجدد حمله پرداخت. احمد بن موسی (ع)، نیز، با نیروهایش در قریه «کشن» اردو زد و با وجود تعداد زیاد شهیدان، تصمیم گرفت به سمت شیراز حرکت کند. این جابو که شاهچراغ و نیروهایش، در دام حيله قتلغ‌خان گرفتار شدند؛ او، احمد بن موسی (ع) را با الطایف‌الحیل به داخل شهر کشاند و آن‌گاه هجوم سراسری به‌وی و نیروهای معلودآور آغاز کرد. به این ترتیب، جمع‌یاری از یاران شاهچراغ شهید شدند و خود او نیز، با برادرانش، در نزدیکی شیراز مخفی شد. قتلغ‌خان که از سوی خلیفه دستور داشت کار احمد بن موسی (ع) را یکسره کند، جاسوسانی را برای یافتن محل اختفای وی تعیین کرد و بالاخره به‌محل حضور وی پی‌برد. خانه‌ای که شاهچراغ در آن قرار داشت، محاصر و مبارزه‌ای سخت آغاز شد.

احمد بن موسی (ع) در کنار برادرانش مقاومتی جانانه کرد و پس از شهادت آن‌ها، همچنان به نبرد ادامه داد. مورخی درباره چگونگی شهادت وی می‌نویسد: «احمد بن موسی (ع) تنها با جمع کثیری به نبرد پرداخت. دشمن چون متوجه شد از عبود او بر نمی‌آید، با ایجاد شکاف، روزنه‌ای در دیوار خانه‌ای که جایگاه استراحت وی بود، [ایجاد کرد و] او را منزل شد. آن‌گاه از پشت سر بر سر او شمشیر زدند. سپس خانه را خراب کردند و بدن مطهرش ریز توده‌های خاک در محلی که هم‌اکنون مرقدوبارگاه اوست، پنهان شد.»

